



شفاف سازی هم موبایل را ارزان نکرد!

صفحه ۳

پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۷ ■ ۲۸ شوال ۱۴۳۹ ■ ۱۲ جولای ۲۰۱۸ ■ سال دهم ■ شماره ۲۴۸۳ ■ صفحه ۱۶ ■ ۱۰۰۰ تومان

۱۱۷۹ سال و ۲۲۷ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.10 ■ No.2483 ■ Thu.Jul.12, 2018 ■ ISSN:2008-2886

بازنگری در نرخ سود بانکی در دستور کار بانک مرکزی

صفحه ۱۶

یادداشت امروز

رمزگشایی از سناریوی ضد ایرانی اروپا

محمد سلیمی

طی هفته‌های اخیر اتفاقات قابل تاملی در اروپا رخ داده است؛ درست همزمان با سفر رئیس‌جمهور کشورمان به ۲ کشور سوییس و اتریش، ماجرای دستگیری دیپلمات ایرانی به اتهام تلاش برای بمب‌گذاری در نشست گروهک تروریستی منافقین مورد توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای غرب قرار می‌گیرد و متعاقب آن، سازمان اطلاعات و امنیت هلند [AIVD] اخراج یک ماه پیش ۲ دیپلمات کشورمان را که بدون ارائه هیچ‌گونه سند و مدرکی صورت گرفته، اعلام می‌کند نکته جالب توجه اینکه همه این موارد، درست در زمانی اتفاق افتاد که ضرب‌الاجل ایران به تروئیکای اروپا برای ارائه بسته پیشنهادی (درباره حفظ برجام) به اتمام رسیده بود! سوال اصلی اینجاست: همزمانی و همپوشانی این رخدادها چگونه قابل توجیه است؟ آیا ما با اجزا و قطعات ظاهراً مجزا اما در حقیقت بهم‌پیوسته یک سناریو در قبال کشورمان مواجه هستیم؟ آیا دستگاه دیپلماسی کشورمان در رصد، تحلیل و مواجهه با این سناریو موفق عمل کرده است؟

۱- درست یک روز پس از بازگشت رئیس‌جمهور کشورمان از سفر اروپا، «هولبرت پریده‌میر» سخنگوی «سرویس اطلاعات و امنیت» هلند از اخراج ۲ دیپلمات ایرانی از این کشور خبر داد. وی تأکید کرد نمی‌تواند اطلاعات بیشتری در این‌باره بیان کند!

برخی منابع هلندی اعلام کرده‌اند اخراج ۲ دیپلمات ایرانی، متعاقب بررسی ۲ پرونده قضایی-امنیتی در این کشور صورت گرفته است. پرونده نخست مربوط به فردی به نام احمد مولا ابوتاهض (مشهور به احمد نیسی) است. وی از سران گروه تروریستی «جنبش الاحواز» بود که سال گذشته مقابل منزلش توسط افراد ناشناس به قتل رسید. پرونده دیگر، مربوط به فردی به نام «علی معتمد» بود که سال ۲۰۱۵ در شهر المیره در نزدیکی آمستردام به ضرب گلوله کشته شد.

پس از گذشت ۳ سال، هویت واقعی «علی معتمد» مشخص شد! پس از تشکیل دادگاهی جنجالی در شهر «لی‌استات» مشخص شد علی معتمد همان «محمد رضا صمدی کلاهی» تروریست عامل انفجار دفتر مرکزی حزب کلاهی اسلامی و شهادت آیت‌الله بهشتی و قریب به ۸۰ نفر از مسئولان نظام جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ بوده است. بنیان‌ساز هویت واقعی علی معتمد و دادن پناهندگی و هویت جعلی به تروریست بدنام منافق از سوی دستگاه‌های امنیتی و جاسوسی هلند، اعتراض برخی نمایندگان پارلمان این کشور را برانگیخت تا آنجا که تعدادی از آنها طی سؤال‌هایی جداگانه خواستار توضیح وزارت دادگستری و سازمان اطلاعات و امنیت این کشور شدند از سوی دیگر، مخفی نگه داشتن هویت «محمد رضا صمدی کلاهی» به همراه اعطای تابعیت به وی، خلاف قوانین داخلی هلند و اروپا محسوب می‌شود.

متعاقب این اقدام، پلیس هلند و رسانه‌های این کشور در اقداماتی هماهنگ و حساب‌شده، این ۲ پرونده را با یکدیگر مرتبط ساخته و سعی کردند جمهوری اسلامی ایران را به عنوان عامل قتل «محمد نیسی» و «محمد رضا صمدی کلاهی» معرفی کنند. گروهک تروریستی منافقین و شبکه‌های وابسته به وهابیان آل سعود (مانند العربیه) نیز مانور تبلیغاتی زیادی روی این موضوع دادند.

سرانجام رسوم خردادامه امسال، سازمان اطلاعات و امنیت هلند پس از دعوت از سفیر ایران، موضوع اخراج ۲ دیپلمات جمهوری اسلامی به اتهام دست داشتن ایران در ترور «نیسی» و «صمدی کلاهی» را به وی ابلاغ می‌کند.

۲- نکته تاسف‌برانگیز اینکه سفیر کشورمان در هلند و متعاقباً وزارت امور خارجه کشورمان، در مقابل این اقدام غیرقانونی و وقیح دولت هلند و سرویس امنیتی این کشور کاملاً منفعلانه عمل کرد! حتی سفارت ایران در هلند از رسانه‌های شدن این موضوع جلوگیری کرد تا نام دیپلمات‌های یادشده، به عنوان «عنصر نامطلوب» از سوی دولت هلند و سازمان ملل متحد ثبت و ضبط شود. ۲ دیپلمات سفارت کشورمان، بر اساس ضرب‌الاجل سازمان اطلاعات هلند، خاک این کشور را در تاریخ ۱۷ خردادماه ترک کردند.

ادامه در صفحه ۵

گزارش «وطن امروز» درباره ضرورت پرده‌برداری از پیشنهادهای برجامی اروپا

بسته را باز کنید



برجام، مانع محکومیت آمریکا در این باره شدند. همچنین کشورهای اروپایی در اقدامی همگام با «خزانه‌داری آمریکا»، از عادی‌سازی ارتباطات بانکی و اعتباری خود با ایران اجتناب کردند. ب- از زمان ورود ترامپ به کاخ سفید (ژانویه ۲۰۱۷) تا ماه مه ۲۰۱۸ (زمان اعلام خروج رسمی آمریکا از برجام)، تروئیکای اروپایی ضمن بازی مستقیم در زمین دولت ترامپ و موافقت با تغییر توافق هسته‌ای، عملاً تعهدات برجامی خود را در قبال نظام و ملت ایران زیر پا گذاشت. چک سفید مقامات ۳ کشور اروپایی به ترامپ درباره اعمال تغییرات چهارگانه در برجام هرگز از یاد ملت ایران نخواهد رفت. حتی مرکل و مکرون تا آخرین لحظه خروج ترامپ از برجام، تمام تلاش خود را جهت «انعقاد توافق ثانویه» با ایران و «گذار از بسته اولیه و معیاری عینی، پرده از چهره واقعی آنها بردار.

بازگشت عامدانه به بیانیه بروکسل

صدر اعظم آلمان در مکالمه تلفنی با رئیس‌جمهور کشورمان تأکید کرده این بسته پیشنهادی، صرفاً شامل کلیات (!) می‌شود و بر سر جزئیات این بسته پیشنهادی باید گفت‌وگوها ادامه یابد. خاتم مرکل البته نگفته وقتی برجام - که جزئیات را شامل می‌شد - به چنین سرنوشتی دچار شد، این بسته که صرفاً کلیات است، چه نتیجه‌ای برای تهران خواهد داشت! سوال این است: با توجه به تأخیر معنادار مقامات اروپایی در ارائه جزئیات بسته پیشنهادی و ترسیم پروسه عملیاتی «حفظ برجام بدون آمریکا»، چگونه می‌توان به ادامه گفت‌وگوها با تروئیکای اروپایی امید بست؟

۱- واقعیت امر این است که اروپا با اقدامات نادرند برداختند و موافقتی از توافق به بحث و تبادل نظر وجود خروج آمریکا از توافق هسته‌ای، در اولویت ایران و گروه ۴+۱ است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «طرفین (ایران و اعضای ۴+۱) درباره راه‌حل‌های عملی با هدف حفظ روابط اقتصادی و تجاری با ایران به عنوان بخشی از توافق به بحث و تبادل نظر پرداختند و موافقت کردند این روابط می‌تواند با وجود بازگشت تحریم‌های آمریکا از «ماه اگوست (مرداد)» همچنان ادامه داشته باشد. اولویت‌های مورد توافق شامل حفظ کانال‌های بانکی، ادامه صادرات نفت و گاز ایران و ایجاد جو تجاری و سرمایه‌گذاری مطلوب در ایران است.»

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیانیه‌ی اخیر اتحادیه اروپایی نسخه‌ای مشابه (و نه حتی تکمیل شده) از «بیانیه بروکسل» است که ۸ روز پس از خروج «دونالد ترامپ» از توافق هسته‌ای (۱۸ اردیبهشت) از تاریخ ۲۶ اردیبهشت‌ماه امسال منتشر شد. در آن بیانیه نیز سران اروپا تأکید کردند تهران باید در حوزه‌هایی مانند مبادلات بانکی و فروش نفت از منافع خود در برجام بهره‌مند شود. اکنون در حالی که نزدیک به ۲ ماه از صدور بیانیه بروکسل سپری می‌شود، مقامات اروپا بار دیگر به «قطعه صفر» بازگشته‌اند! اتحادیه اروپایی به صورت عمدانه، از ترسیم مکانیسم‌های حقوقی، اقتصادی و اجرایی برای تحقق اهداف ادعایی خود در قبال فروش نفت و گاز ایران و حفظ روابط اقتصادی با کشورمان اجتناب کرده است. «آنگلا مرکل»

واقعیت امر این است که اتحادیه اروپایی بار دیگر در آزمونی بزرگ و تعیین‌کننده نزد ملت ایران، مردود شده است. اگرچه برخی تصور می‌کردند با انعقاد برجام، اروپا می‌تواند کارنامه سیاه خود بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ را از بین ببرد یا لاقلاً، آن را در ذهن مخاطبان برجام کمرنگ کند اما تروئیکای اروپایی بین سال‌های ۲۰۱۵ تاکنون نیز ۳ بار در آزمون صیانت از برجام مردود شده است:

الف- بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ «دوران ریاست جمهوری باراک اوباما» اتحادیه اروپایی بویژه تروئیکای اروپا بارها در مقابل عهدشکنی‌های آشکار دولت اوباما از جمله تمدید قانون ایسا و وضع محدودیت‌های صدور ویزا برای کسانی که به ایران سفر می‌کنند که نقض صیانت ماده ۲۹ برجام بود! سکوت کرد. آنها حتی در کمیته مشترک بررسی

۱- بسته پیشنهادی اتحادیه اروپایی به ایران، به اندازه‌ای غیرقابل قبول بوده است که حتی فرد قانع و کم‌توقعی نظیر آقای روحانی البته صرفاً در برابر غرب! آن را با عنوان «نوسیدکننده» توصیف کرد! حتی خود مقامات اروپایی نیز ادعایی علیه ایران درباره چرایی عدم پذیرش آن ندارند. آنگلا مرکل آلمانی نیز در تماس تلفنی آقای روحانی، عنوان کرد اینها موارد ارائه شده در بسته پیشنهادی اروپا! صرفاً کلیات را در بر می‌گیرد و درباره جزئیات آن باید وارد مذاکره شد!

۲- در اینکه چرا اتحادیه اروپایی پس از هفته‌ها ریزینی و ائتلاف زمان، همچنان وارد فاز «تکیه بر کلیات» شده است، دلایل مشخصی وجود دارد که در اینجا قصد پرداختن به آنها را نداریم؛ آنچه در این مجال باید مورد توجه قرار گیرد، لزوم «انتشار بسته پیشنهادی اروپا» جهت تنویر بیشتر افکار عمومی و پرده‌برداری از چهره عریان و واقعی اروپای واحد است. برآستی چه بسته‌ای توسط اروپا به ایران ارائه شده است که حتی کسی که برجام را به بار آورد، آن را مایوس‌کننده می‌داند و مقامات و سیاستمداران ارشد اروپا نیز در قبال عدم پذیرش آن از سوی ایران به کشورمان حق می‌دهند؟ چرا در رسانه‌های اروپایی، اشاره‌ای به مفاد بسته پیشنهادی غرب به ایران نشده است؟ چرا رسانه‌های وابسته به جریان‌های راست میانه و سوسیال-دموکرات در اروپا که قدرت سیاسی این مجموعه را در دست دارند، در مقابل ناراضیاتی جمهوری اسلامی از بسته برجامی اروپا سکوت کرده‌اند؟ پاسخ این سوالات، کاملاً مشخص است: بسته پیشنهادی اروپا حتی از سوی نزدیک‌ترین لابی‌های سیاسی و رسانه‌ای به این مجموعه نیز قابل دفاع نیست!

تیتراهای امروز

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «وطن امروز» درباره عملکرد دستگاه دیپلماسی در قبال گستاخی‌های اخیر هلند:

وزارت خارجه مجرم است

احتمال فراخواندن ظریف به مجلس به خاطر سرقت اسناد محرمانه از دفتر حقوقی ایران در لاهه



صفحه ۲

با تثبیت دلار ۷۵۰۰ تومانی در بازار ثانویه ارز

ارزش پول ملی رسماً نصف شد

صفحه ۳

تصادف دلخراش یک تانکر حامل مواد سوختی در سندنج با اتوبوس مسافری

۱۱ کشته در حریق اتوبوس

صفحه ۴

نگاه‌امروز

آخوندی و بازگشت به خانه اول!

امیر استکی

۱- مشکل مسکن اکنون چیست؟! به نظر آنچه مسکن را اینچنین گران کرده است - حداقل در کلانشهرها - قیمت بالای زمین و سهم بالای هزینه آن در قیمت تمام شده مسکن است. براحتی می‌شود از راه مقایسه شهرهای بزرگ و کوچک با تهران نشان داد هزینه زمین تا چه حد در قیمت بالای مسکن موثر است. ۲ واحد مسکونی با یک کیفیت ساخت در مناطق مختلف تهران، در کلانشهرهای دیگر و در شهرهای کوچک با قیمت‌هایی بسیار متفاوت عرضه می‌شود. آیا زمین نایاب است؟ پاسخ یک «خیر» بزرگ است. پس چه چیزی زمین را در نقاطی از ایران و تهران به یک متاع بسیار ارزشمند با قیمتی سرسام‌آور تبدیل کرده است؟ پروژه‌های «مسکن‌مهر» نشان داد تا چه حد حذف قیمت زمین از بهای تمام شده مسکن می‌تواند در قیمت آن تأثیر داشته باشد و از سوی دیگر این مهم را نیز نشان داد که علاوه بر سنج‌های مقول در مقایسه کیفیت مناطق، تا چه حد سنج‌های موهوم، تقلبی، تصنعی و طبقاتی در تعیین ارزش زمین در ایران امروز دخیل شده است. ارزانی «مسکن‌مهر» فقط به دلیل حذف قیمت زمین از آن نیست، اگرچه عنصر مهمی است اما تصورات غالب در جامعه به نحو موثری در تعیین ارزش آن دخیل است. اینکه مسکن‌مهر یک طرح مزخرف و تابلویی از نداری است، به نحو مهمی در بی‌ارزش کردن این املاک تأثیر داشته است. تأثیری که به مرور و با گذر زمان البته کمتر شده است ولی حذف نخواهد شد. به مثابه دافی که بر پیشانی این قطعی کبریت‌ها - البته در ادبیات تکنوکرات‌های به درد نخور ایرانی - نشسته است.

۲- مسکن از یک کالای پسادوام مصرفی در ایران به یک کالای سرمایه‌ای تبدیل شده است. کالایی که در بازه‌های زمانی تقریباً ۱۰ ساله بازار داغی پیدا می‌کند و محل مناسبی برای خرید و فروش و کسب سود می‌شود اما همه مشکل از آنجایی آغاز می‌شود که مسکن را نمی‌توان از زندگی انسان‌ها حذف کرد و نیاز مردم به سرپناه و محل زندگی به هیچ‌وجه قابل حذف نیست. در واقع مسکن همواره و در همه جا یک کالای مصرفی است که در اقتصاد امروز ایران اسیر یک روند سوداگرانه شده است. مسکن مهر به نوعی دور زدن ارزش موهوم زمین در ایران بود اما به واسطه اینکه فقط به نحو موثری مساله زمین را از قیمت مسکن خارج کرده بود و به شکل اساسی فکری برای خارج کردن زمین از سلطه قواعد بازار نکرده بود، جای نقد دارد اما این طرح در صورتی که با طعن و مسخره و تشبیهات مغرضانه بی‌حیثیت نمی‌شد، در نوع خود بسیار بیش از آنچه امروز انجام داده است، مثرم‌تر می‌بود.

ادامه در صفحه ۵